

آنها که می‌نویسند.

امیر اصغری*

۱. آنها که می‌نویسند.

می‌دانم! می‌دانم! بعد از این همه سال نوشتن و سر به دیوار کوفتن، باید عنوان آنچه را که می‌نویسم به گونه‌ای انتخاب کنم که از محتوای آن چیزی بگوید. مثلاً می‌دانم وقتی می‌خواهم چیزی بنویسم در مورد مجله‌های ریاضی ترویجی در ایران و نقش پررنگ یحیی تابش در تولید آنها از صفر تا صد، احتمالاً خوب نیست که عنوان نوشته را بگذارم «آنها که می‌نویسند». به هر حال امیدوارم در انتها قانع شوید که عنوان واقعاً ربطی به نوشته داشت که این نویسنده‌ی حقیر (تعارف الکی) آن را انتخاب کرد.

۲. کمی از تاریخ مجله‌های ریاضی

یعنی نمی‌دانید چه حس خوبی است که می‌توان با وجود تازمایی که همه‌ی مجله‌های ریاضی ایران را به کمک بسیاری از آدم‌هایی مثل شما که در حال خواندن این متن هستید گرد هم آورده، به طور مستند در مورد تاریخ مجله‌های ریاضی ایران حرف زد؟

- از اولین آنها، «حل المسائل ریاضی» که فقط در حدود یک سال و توسط سه تازه فارغ‌التحصیل دارالفنون که هر کدام بعداً آدم مهمی شدند منتشر می‌شد؛
- تا شاید معروف‌ترین آنها، «نشر ریاضی» که به مدت نوزده سال و توسط آدم‌هایی که قبل و بعد از نشر ریاضی آدم‌های مهمی بودند، اداره می‌شد؛
- تا مجله‌های دانشجویی مثل «مجله‌ی ریاضی شریف» که هرزگاهی (به طور هرزگاهی‌ای هرزگاهی) توسط باقالی‌های دانشکده ریاضی دانشگاه شریف هرزگاهی می‌شد.

قبل از اینکه خون‌تان به جوش بیاید که ای وای به بچه‌های نازنین دانشکده ریاضی شریف بی‌احترامی شد و از این چیزها، لطفاً کمی دندان روی جگر بگذارید تا نوشته به انتها برسد. برگردم؛ از اولین مجله ریاضی که در ۱۳۰۶ منتشر شد تا الان که این متن نوشته می‌شود ۹۶ سال می‌گذرد. یحیی تابش در ۴۱ سال از این ۹۶ سال برای ایجاد و زنده‌نگه‌داشتن مجله‌های ریاضی حضور فعال داشته و هنوز دارد. فکرش را بکنید، چگونه یک نفر ممکن است ۴۱ سال ناامید نشود و مثلاً با خودش فکر نکند اصلاً این کارها در این اوضاع به چه درد می‌خورد (رکورد خود من به ۴۱ دقیقه هم نمی‌رسد).

۳. یحیی تابش

تابش در گفتگویی که در پروژه آدم‌ها و ریاضیات انجام داده‌است، تعریف می‌کند عشق او به مجله‌های ریاضی و آگاهی از اثرگذاری عمیق آنها در نوجوانی و به کمک مجله ریاضی یکان شکل گرفته‌است. ولی خب آن شاعر شیرازی معروف راست می‌گفت که «عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها». فکرش را بکنید می‌خواهید یک نشریه دریاورید و اسم آن را بگذارید فرهنگ و اندیشه ریاضی و بعد در خیابان به دنبال آن باشید که یک خطاط پیدا کنید و اسم نشریه را بنویسد. بعدش هم که به هزار زور و زحمت و راضی کردن این و آن و حروف چینی ناموجود ریاضی و هزار اما و اگر دیگر، شماره‌ی اول مجله را درمی‌آورید، این که بنویسند زیر نظر فلانی‌ها بر دلتان سنگین می‌آید (در مورد فرهنگ و اندیشه ریاضی زیر نظر یحیی تابش و علی رجالی). فقط تابش باید باشید که ناامید نشوید و بروید یک جای دیگر (در این مورد، اصفهان) و با یکی دو نفر دیگر از دوستان، یک مجله‌ی دیگر منتشر کنید (در این مورد، پیک ریاضی). ولی خب این بار در شماره‌ی اول حتی نمی‌نویسید «زیر نظر» مبادا که

به کسی بر بخورد. فکرش را بکنید، خداییش خود من اگر در همین نوشته چند جا اسم خودم را آن وسط نمی‌پراند، راضی به نوشتن آن نبودم. پیک ریاضی با قوت ادامه می‌دهد تا اینکه تابش به تهران می‌آید و «نشر ریاضی» شروع می‌شود. می‌خواهید پرسید پیک ریاضی چه می‌شود؟ خداییش آیا نمی‌توانید حدس بزنید؟ در همان وسط‌های نشر ریاضی، ناگهان خاطره و عشق یکان دوباره زنده می‌شود که ای داد بیداد پس بچه‌های مدرسه چی و نتیجه‌ی آن می‌شود ماه‌نامه‌ی ریاضیات که بعدها شد نشریه‌ی ریاضیات. اولین شماره‌ی نشر ریاضی در سال ۱۳۶۷ منتشر شد و اولین شماره‌ی ماه‌نامه‌ی ریاضیات دوازده سال بعد؛ در سال ۱۳۷۹. تابش پنج سال دنبال مجوز برای انتشار ماه‌نامه‌ی ریاضیات بوده‌است. این پنج سال را که از دوازده کم کنیم، هفت سال می‌ماند. یعنی در این هفت سال، تابش چه کار می‌کرده‌است؟ چون از همان اوایل نشر ریاضی آگاه بوده که نشر ریاضی برای دانشگاهی‌هاست و نه مدرسه‌ای‌ها. از طرفی به خاطر درگیری‌های چند ساله با مجله‌های ریاضی می‌دانسته‌است که چقدر راضی کردن آدم‌ها به همکاری با مجله‌ها سخت است و آن دوره‌ی یکان گذشته‌است که هی آدم‌های مختلف چیزمیز برای مجله می‌فرستادند چون قرار نبود جایی، تیکی بخورند که امتیازی بگیرند و برای دل خودشان چیزمیز می‌نوشتند. از طرفی با حساسیت آدم‌هایی مثل مهدی بهزاد و سیاوش شهشهانی به کیفیت نشر ریاضی، به نظر نمی‌رسید که نشر ریاضی محل مناسبی برای پیدا کردن آدم‌هایی باشد که به کار مجله‌ای برای ریاضیات مدرسه بیایند. در این اوضاع بود که تابش مهم‌ترین و تاثیرگذارترین حرکت خود را زد و در سال ۱۳۶۸ یعنی یک سال بعد از انتشار اولین شماره نشر ریاضی، مجله ریاضی شریف را پایه‌گذاری کرد (در اولین شماره اسم او به عنوان مشاور و راهنما آمده‌است).

۴. مجله‌ی ریاضی شریف

مجله‌ی ریاضی شریف یک عالمه مقاله‌ی بانمک دارد (باید اعتراف کنم وقتی دارم این تعریف‌ها را می‌نویسم، مجله‌ی ریاضی شریف در دور اول انتشار آن را در ذهن دارم)؛ مصاحبه با ریاضی‌دانانی که بعضی از آن‌ها هنوز هستند ولی در شریف نیستند و بعضی‌های دیگر کلاً نیستند و همچنین آمارها و داستان‌های هرازگاهی از وضعیت دانشکده در سال‌های مختلف (که کلی تاریخ در آن‌ها نهفته‌است و درس‌هایی که کسی نمی‌گیرد). ولی آن چه مجله‌ی ریاضی شریف را مجله‌ی ریاضی شریف می‌کند، آدم‌هایی هستند که با آن ساخته شدند و بعدها بعضی ریاضی‌دان شدند و بعضی ریاضی‌نویس و بعضی «ماه‌نامه‌ی ریاضیات» نویس و بعضی همه‌ی داین‌ها. در اینجا دیگر مهم نبود که اسم و رسم داشته باشی و فلانی بوده باشی. یک دانشجوی باقالی بودی که ریاضی را دوست داشتی و دوست داشتی این دوست داشتن را با دیگران به اشتراک بگذاری. این جا اولین جایی بود که امکان دیده‌شدن داشتی، اسم تو آن جا بود، بخشی از تاریخ دانشکده‌ی ریاضی شریف بود، بخشی که می‌توانست دیده شود؛ حالا اگر امروز نه، فردا یا پس فردا.

۵. مجله‌هایی برای نوشته‌شدن

پیک ریاضی دیگر نیست. نشر ریاضی دیگر نیست. ماه‌نامه‌ی ریاضیات دیگر نیست. مجله‌ی ریاضی شریف هست و نیست. بودن و نبودن آن بستگی به دل دانش‌جویان دوره‌های مختلف دارد. حتی وقتی هست شاید حتی توسط پنجاه نفر هم خوانده نشود. ولی باید باشد؛ باید باشد چون آن‌ها که می‌نویسند مهم‌اند. نمی‌نویسند نیاز دارند جایی برای نوشتن داشته باشند، درست‌تر است که بنویسم نیازمندیم جایی برای نوشتن داشته باشند. ریاضیات به این افراد نیاز خواهد داشت. حتی اگر مجله‌ی ریاضی شریف تنها میراث یحیی تابش بود، ریاضیات ایران را به او مدیون می‌دانم و تنها راه ادای این دین را زنده‌نگه داشتن مجله ریاضی شریف و همه‌ی آن مجله‌های دانشجویی می‌دانم که در دانشکده‌های ریاضی دیگری هی به طور هرازگاهی هرازگاهی منتشر می‌شوند.

* دانشگاه جان مورس لیورپول

رایانامه: a.h.asghari@ljmu.ac.uk